

آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن

جعفر هزارجریبی: دانشیار علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران*

ابوالفضل امانیان: دانشجوی دکتری رفاه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

چکیده

هدف این پژوهش بررسی میزان آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن در بین زنان شاغل در شهرداری تهران است، که به صورت استخدام رسمی یا قراردادی در این سازمان مشغول به کار هستند. دیدگاه‌های مختلف در رابطه با حقوق شهروندی بررسی و نظرات هابرماس، پارسونز، مارکس، ترنر به منظور چارچوب نظری انتخاب و فرضیات تحقیق که شامل وجود رابطه بین متغیرهایی چون میزان حضور در عرصه عمومی، نگرش به حقوق شهروندی، پایگاه اجتماعی، میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی بوده، تدوین گردیده است. روش تحقیق، تبیینی از نوع پیمایش است و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته است. جامعه آماری شامل کلیه زنان شاغل در شهرداری تهران است که در زمان تکمیل پرسشنامه در این سازمان حضور داشته‌اند. برای برآورد حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۲۷۰ نفر از جامعه آماری ۱۸۴۲ نفری را انتخاب نموده ایم. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده‌اند و از آزمون‌های کندال تای بی و گاما برای همبستگی‌های ترتیبی و آزمون کای اسکور برای سطح اسمی - ترتیبی در جداول متقاطع توافقی و همچنین تحلیل چند متغیره رگرسیونی و تکنیک تحلیل مسیر استفاده شده است. متغیر وابسته این پژوهش میزان آگاهی از حقوق شهروندی بوده، که به تفکیک به صورت آگاهی از حقوق مدنی، آگاهی از حقوق سیاسی، آگاهی حقوق فرهنگی، آگاهی از حقوق اجتماعی، آگاهی از حقوق جنسیتی مورد سنجش قرار گرفته است. میانگین نمره آگاهی از حقوق شهروندی پاسخگویان برابر ۱۱/۳۲ با انحراف معیار ۰/۷۲۶ است. دامنه تغییرات نمره پاسخگویان در این متغیر از ۰ تا ۱۸ به دست آمده است و در نهایت ۳۵/۲ درصد از پاسخگویان آگاهی پایینی از حقوق شهروندی داشتند، ۴۵/۶ درصد آگاهی متوسط و تنها ۱۹/۳ درصد از آگاهی بالایی برخوردار بوده‌اند. میزان حضور در عرصه عمومی، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، پایگاه اقتصادی اجتماعی و نگرش به حقوق شهروندی با میزان آگاهی زنان از حقوق شهروندی ارتباط معنی داری داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: حقوق شهروندی، عرصه عمومی، رسانه‌های ارتباط جمعی، آگاهی، زنان

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

جذابیت شهروندی صرفاً به خاطر منافع نیست که به فرد می‌رساند. شهروندی همواره یک ایده‌ی دوجانبه و بنابراین، یک ایده‌ی اجتماعی است. قابل تصور است که یک جامعه بتواند بدون بیان رسمی حقوق به درستی کار کند اما به سختی می‌توان وجود یک جامعه‌ی انسانی با ثبات را بدون وجود حس تعهد میان اعضایش تصور نمود. بنابراین، حقوق شهروندی مبنای عالی برای اداره‌ی امور انسان به شمار می‌رود و زندگی آن‌ها که از پیش به وسیله نژاد، مذهب، طبقه، جنسیت یا صرفاً یکی از هویت شان تعیین می‌شد به وسیله‌ی شهروندی تعیین می‌شود، چرا که شهروندی بیش از هر هویت دیگری قادر است انگیزه‌ی سیاسی اساسی انسان‌ها را، که هگل آن را "نیاز به رسمیت شناخته‌شدن" می‌نامد، ارضا نماید. williams. (1997:59-69). این ایده نمی‌تواند صرفاً مجموعه‌ای حقوقی باشد که فرد را در تعهد به دیگران رها کند بلکه حقوق شهروندی همیشه به چارچوبی برای پذیرش و مکانیزم‌هایی برای تحقق‌شان نیاز دارند. چنین چارچوبی، که شامل دادگاه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها و پارلمان‌ها می‌شود، نیاز دارد که همه شهروندان وظیفه خود را در حفظ آن ایفا کنند. از طرف دیگر، مسأله‌ی شهروندی و مسأله‌ی جنسیت از مسائل مبتلابه نه تنها جامعه‌ی ما که همه‌ی جوامع است. بحث و برخورد آرا در ارتباط با حقوق و تکالیف زن و مرد در همه‌ی فرهنگ‌ها جریان دارد. دولت‌ها همواره کوشیده‌اند که برابری، هرچه بیشتر همگانی باشد. اما در طول تاریخ، عوامل زیادی باعث از بین رفتن این برابری بوده‌اند که

یکی از این عوامل جنسیت است. به طوری که "مفهوم شهروندی همیشه جنسیتی بوده و زن و مرد در ارتباطی متفاوت با این مفهوم قرار می‌گیرند و همواره زنان وضعیت نامساعدتری دارند" (Walby, 1990:375). در دیدگاه‌های جدید توسعه، دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمام عرصه‌ها امکان‌پذیر نیست. مشارکت کردن واحساس تعلق اجتماعی لازم و ملزوم یکدیگرند و در طی فرآیند توانمندی است که زنان از نیازها و خواسته‌های درونی خود آگاه می‌شوند، جرأت دستیابی به هدف را در خود تقویت کرده و از توانایی لازم برای عملی ساختن خواسته‌های خود برخوردار شوند. و نظریه‌های آگاهی از نابرابری‌های اجتماعی بر این فرض عمده استوار است که مطالبه‌ی اقدامات اصلاحی در مورد حذف یا تعدیل وضعیت موجود، ابتدا نیاز به باخبری، آگاهی و تصدیق افراد از وضع نابرابری و غیر عادلانه دارد. بنابراین، آگاهی نخستین مرحله درک و شناخت وضعیت نابرابر و مورد تبعیض تلقی می‌شود و نخستین مرحله‌ای است که وجود آن برای هر کنش جمعی و بیان انتظارات و مطالبات از جانب زنان لازم شمرده می‌شود. این آگاهی متضمن اطلاع از گروه‌های برتر و مسلط بر منابع و امکانات جامعه در مقابل گروه‌های فرودست و بدون بهره می‌باشد. رسیدن به حقوق شهروندی برابر برای زنان تا زمانی که آگاهی دقیقی از آن ندارند امکان‌پذیر نخواهد شد، زیرا به دلیل عدم آگاهی نمی‌توانند حق خود را مطالبه کنند؛ چنانکه به عقیده‌ی هابرماس اگر شهروندان جهان بخواهند در کمره‌ی زمین به سازماندهی خود بپردازند و شکلی از نمایندگی انتخابی دموکراتیک را بیافرینند، برای همبستگی

که اعضای جامعه در فرآیند توسعه سهیم یا از آن محروم اند، بدل گردیده است (شیانی، ۱۳۸۳: ۱۰). درحقیقت هیچ مفهومی یا ایده‌ی دیگری به اندازه شهروندی در تاریخ بشر، آرمان‌های نیاز انسان به برابری و خواسته‌هایش برای آزادی را ترکیب نمی‌کند. البته این ترکیب هرگز اشتباه نبوده است و با تمام مفاهیم مهم مدرنیته پیوند خورده است.

از طرفی زنان نه تنها بازتولیدکنندگان زیست‌شناختی یک گروه قومی هستند، بلکه حاملان فرهنگی نیز می‌باشند که نقش اساسی در انتقال نهاد‌های فرهنگی و زبانی به جوانان را به عهده دارند و مظهر نمادین تمایز و وحدت ملی در نظر گرفته می‌شوند (کاستلز، دیویدسون، ۱۳۸۲: ۲۵۲). بنابراین، اگر جامعه به شهروندی مفید و موثر آنها نیاز دارد، پس باید مطمئن شود زنان از طریق فرصت‌هایی برای اکتساب مهارت‌ها، توانایی‌ها و اطلاعات ضروری تربیت شوند. متخصصان توسعه "کنترل شهروندی" را عالی‌ترین سطح و نوع مشارکت تشخیص داده‌اند. در این نوع مشارکت، مردم با تصمیم‌گیری‌های زندگی روزانه که آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، دخالت می‌کنند. از طرفی، مفهوم مشارکت در تعاریف جدید، از عملی منفعلانه و خودبخودی به کنشی فعال و آگاهانه تغییر کرده، واحد تحلیل مشارکت، فرد و عمل ارادی و آگاهانه و مسالمت‌آمیز او برای تأثیر گذاری در نظام است.

۱-۳- اهداف

این پژوهش با هدف بررسی و شناخت میزان آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل موثر بر آن انجام گرفته است. این پژوهش همچنین در پی تبیین

هنجارهای خود، مبنایی جز آگاهی ندارند (انصاری، ۱۳۸۴: ۱۰۰). هر چند در عدم آگاهی از حقوق شهروندی زنان، عامل نبودن ساختارهای جامعه بی‌تأثیر نبوده، اما اگر قرار است دگرگونی‌هایی در وضع موجود رخ دهد، این زنان هستند که باید آگاه و آگاهی بخش باشند. این مقاله با هدف تبیین عوامل اجتماعی، آگاهی از حقوق شهروندی را مورد مطالعه قرار می‌دهد و تأثیر متغیرهایی چون طبقه‌ی اجتماعی، حضور در عرصه‌ی عمومی، نگرش و آگاهی به حقوق شهروندی و دسترسی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی را در سازمان شهرداری، که از مهمترین افرادی هستند که به واسطه سازمان خود با مبانی حقوق شهروندی در ارتباط هستند را بررسی می‌کند.

۱-۲- اهمیت و ضرورت

حقوق شهروندی جزء لاینفک جامعه‌ی مدنی و مبنای تشکیل آن به‌شمار می‌رود، چرا که امکان مشارکت داوطلبانه‌ی همه‌ی افراد را در تمام عرصه‌های اجتماعی فراهم می‌سازد. بنابراین، در گذر از جوامع سنتی به مدرن تغییراتی در جهت تحقق حقوق شهروندی در سطوح فردی و ساختاری پدید می‌آید. با اتفاقاتی که در نظام جهانی به وقوع پیوسته، از جمله، گسترش ارتباطات، جهانی شدن، چند فرهنگ‌گرایی، کشورها از جمله کشور ما تحت تأثیر نظریه‌ها و دیدگاه‌های جدید در ارتباط با شهروندی قرار گرفته و این امر ضرورت پژوهش در مورد شهروندی زنان را بیشتر می‌کند.

همچنین اهمیت موضوع از آن جهت است که شهروندی در دوره‌ی زمانی نسبتاً کوتاهی، به مفهوم مهمی برای توصیف، درک و تبیین شیوه‌های مختلفی

ارتباط متغیرهایی همچون استفاده از رسانه‌های جمعی، میزان حضور در عرصه عمومی و پایگاه اجتماعی اقتصادی زنان با میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی است.

۱-۴- پیشینه پژوهش

مجموعه تحقیقاتی بر محور دیدگاه‌ها و نظریه‌های فمینیسم در حوزه شهروندی انجام شده که ابعاد مهم جنسیت، نابرابری‌های مبتنی بر آن، حقوق اجتماعی و شهروندی جهانی را مطرح کرده است. ووگل با مرور تاریخی بر نظریه‌های شهروندی نتیجه می‌گیرد که سنت‌های اصلی تفکر سیاسی اروپا مفاهیم جهانی شهروندی را ارائه نمی‌کند. در این سنت‌ها زنان فراموش شده‌اند و حتی در مساوات‌طلبانه‌ترین حقوق سیاسی تقسیم جنسی میان شهروندان و غیرشهروندان وجود دارد. بنابراین، موانع برابری جنسی کمی و رسمی نبوده، بلکه کیفی است. در سوریه و لبنان پژوهشی توسط رابو (۱۹۹۱) انجام شد که نظر ووگل را تأیید می‌کند. بر اساس نظر مارشال حقوق شهروندی از مراحل می‌گذرد و جنسیت یک مرز داخلی ویژه را در آن تشکیل می‌دهد. موقعیت حقوقی زنان موضوع پیچیده و نامشابه با مردان است. آنان حداقل موقعیت شهروندی را به عنوان متعهدان آزاد به قانون دارا نیستند. به درجاتی تحت قیومیت پدران و شوهران خود هستند و صرفاً بر زمین ارباب‌هایشان زندگی می‌کنند. بنابراین، برای تحقق شهروندی، زنان باید موقعیت حقوقی خود را کسب کنند و از مزایا و امتیازات شهروندی با حذف دوگانگی‌ها بهره‌مند گردند (Rabo, 1991).

همچنین یافته‌های تحقیق احمدی (۱۳۸۳) نشان می‌دهد که در مجموع میزان آگاهی از حقوق شهروندی کم و تعهدات شهروندی از آن کمتر است. همچنین میزان درگیری و مشارکت مدنی شهروندان در سطح پایینی قرار دارد و می‌توان آن را در قالب درگیری‌های برخوردی و ارتباطی و درگیری‌های اعتراضی طبقه بندی نمود، همچنین نوع درگیری شهروندان با میزان سرمایه اجتماعی و انتخاب عقلانی شهروندان همبستگی معناداری را نشان می‌دهد. ملیحه شیانی (۱۳۸۲) نیز در رساله دکتری خود با عنوان "وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران" اصلی‌ترین موانع تحقق کامل شهروندی در ایران را از یک سو می‌توان به فقدان منابع و فرصت‌های اجتماعی در سطح کلان مربوط دانسته که بر توانمندسازی جامعه برای پاسخگویی به نیازها و خواست اعضای خود باز نمی‌گردد و از سوی دیگر به نبود آگاهی و شناخت مهارت‌های فکری و مشارکتی، وضعیت رفاهی مناسب و عدم مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه و نوع نگرش‌ها و ارزش‌های افراد که به توانایی اعضای جامعه دلالت دارد. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که شهروندی واقعی زمانی تحقق می‌یابد که زمینه‌های عینی و ذهنی آن فراهم شود.

۱-۵- فرضیه‌ها

۱-۵-۱- بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد؛

۱-۵-۲- بین نگرش به حقوق شهروندی و میزان

آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد؛

گرفته است. حداقل امتیاز صفر و حداکثر ۲۰ می باشد. نمره ۱ به پاسخ درست و نمره ۰ به پاسخ نادرست اختصاص دارد. نمرات به دست آمده افراد در سه سطح آگاهی پایین (نمره ۰ تا ۶) آگاهی متوسط (نمره ۷ تا ۱۳) آگاهی بالا (۲۰ تا ۱۴) دسته بندی می شود.

۱-۷-۲- پایگاه

آن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی این مفهوم را جایگاهی می داند که هر کس در ساخت اجتماعی اشغال می کند. و همچنین وضع یا اعتبار اجتماعی که معاصران فرد به او در بطن جامعه ای که زندگی می کند تفویض می دارند. به عبارت دیگر جایی که یک فرد خاص در نظام مخصوص و در زمانی معین اشغال می کند. پایگاه او خوانده می شود (بیرو، ۱۳۷۶: ۳۸۱). در این پژوهش از ترکیب خطی شاخص های تحصیلات، سطح شغل و سطح درآمد، این متغیر سنجش شده است.

۱-۷-۳- استفاده از رسانه های جمعی

در این تحقیق استفاده از وسایل ارتباط جمعی که شامل رادیو، تلویزیون، مطبوعات تلویزیون های ماهوارای، اینترنت و همچنین خبرنامه های درون سازمانی به صورت زیر مورد پرسش قرار می گیرد. نحوه امتیاز دهی به این صورت است که: گزینه " هر روز" (نمره ۴) "هرچند روز یکبار" (نمره ۳) "هر هفته" (نمره ۲) "گاهی" (نمره ۱) "هرگز استفاده نکرده ام" (نمره ۰) حداکثر امتیاز ۲۴ و حداقل امتیاز صفر می باشد. در نهایت میزان استفاده فرد در سطح سنجش فاصله ای در سه دسته کم (۰ تا ۸)، متوسط (۹ تا ۱۶) و زیاد (۱۷ تا ۲۴) دسته بندی می شود.

۱-۷-۴- حضور در عرصه عمومی

۱-۵-۳- بین پایگاه اجتماعی افراد و میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد؛

۱-۵-۴- بین میزان حضور افراد در عرصه عمومی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.

۱-۶- روش تحقیق

این پژوهش از روش پیمایش و بررسی اسنادی استفاده کرده است. تحقیق پیمایش یکی از روش گردآوری، تنظیم و تحلیل داده هاست. داده های مربوط را می توان از طریق فنون متعددی گرد آوری کرد و در بسیاری از مطالعات چه بسا استفاده از چند روش تحقیق مختلف مناسب باشد.

۱-۷-۷- معرفی متغیرها و شاخص ها

۱-۷-۱- آگاهی از حقوق شهروندی

در این تحقیق مبنای حقوق شهروندی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می باشد و آگاهی از حقوق شهروندی این است که افراد در ذهن خود در مورد حقوق شهروندی چه چیزهایی می دانند و این دانسته ها چقدر مطابق با واقعیت است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۲ اصل به حقوق سیاسی شهروندی، ۸ اصل به حقوق اجتماعی شهروندی ۱۴ اصل به حقوق مدنی شهروندی ۴ اصل به حقوق فرهنگی شهروندی و ۲ اصل به حقوق جنسیتی زنان اشاره داشته. بنابراین، ۲۰ سوال به تناسب کل از هر حوزه (حقوق سیاسی ۶ سوال، حقوق اجتماعی ۴ سوال، حقوق مدنی، ۷ سوال، حقوق فرهنگی ۲ سوال و حقوق جنسیتی ۲ سوال) انتخاب شده است و آگاهی پاسخگویان در سطح سنجش فاصله ای با استفاده از ۲۰ سوال مورد بررسی قرار

در این پژوهش حضور در عرصه عمومی با استفاده از میزان عضویت و همکاری فرد در انجمن‌ها و نهادهای مدنی سنجیده می‌شود. منظور از حضور در عرصه عمومی هر نوع همکاری، مشارکت، پذیرش عضویت، کمک فکری یا حمایت معنوی کمک مالی یا حمایت مادی، حضور در برنامه، قبول مسولیت اجرایی و هرگونه فعالیتی است که زنان در ارتباط با نهادهای مدنی اعم از فرهنگی، اجتماعی و سیاسی اقتصادی و زیست محیطی دارند. و با این فرض که هر چه میزان حضور افراد در عرصه عمومی بیشتر باشد، آگاهی افراد از حقوق شهروندی شان بیشتر است.

۱-۷-۵- نگرش به حقوق شهروندی

منظور از نگرش افراد به حقوق شهروندی نوع واکنش افراد در زمانی است که درباره این مساله مورد پرسش واقع می‌شوند. می‌باشد. بنابراین، تعداد ۱۰ سوال مطرح و نگرش پاسخگو مورد پرسش قرار گرفته است. برای هر سوال ۵ گزینه "کاملاً مخالف" "مخالف" "نظری ندارم" "موافق" و "کاملاً موافق" وجود دارد که به ترتیب دارای امتیاز ۱ تا ۵ و درگزینه‌های منفی دارای امتیاز عکس ۵ تا ۱ می‌باشند. حداکثر نمره ۵۰ و حداقل نمره ۱۰ می‌باشد. امتیازات به دست آمده در سه طبقه، نگرش مثبت (امتیاز ۳۸ تا ۵۰)، نه مثبت و نه منفی (۲۴ تا ۳۷) و نگرش منفی نمره (۱۰ تا ۲۳) قرار می‌گیرد.

۱-۸- محدوده و قلمرو پژوهش

در این پژوهش جامعه‌ی آماری، کلیه‌ی زنان شاغل در شهرداری تهران هستند که به صورت استخدام رسمی یا قراردادی در این سازمان مشغول به کار

می‌باشند و تعداد آنها ۱۴۸۲ نفر بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۷۰ نفر محاسبه شده و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده است. در این پژوهش ابتدا مناطق تهران به ۵ دسته شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز براساس تقسیم‌بندی شهرداری و تصویب شورای شهر تقسیم شده است. سپس از هر دسته یک منطقه به تصادف به‌عنوان نماینده انتخاب شده (۲ از شمال - ۱۷ از جنوب - ۱۳ از شرق - ۱۰ از غرب - ۱۱ از مرکز) سپس براساس فرمول نمونه‌گیری کوکران حجم نمونه مشخص و با استفاده از نمونه‌گیری متناسب با جمعیت از هر منطقه تعداد مشخصی در نظر گرفته شده و انتخاب افراد نمونه از هر منطقه به صورت تصادفی ساده انجام شده است.

۲- دیدگاه‌ها و مبانی نظری

در نظریه‌های جامعه‌شناسی شهروندی طیف وسیعی را دربرمی‌گیرد. چنان‌که جامعه‌شناسان مختلف این مفهوم را در زمینه‌های متفاوت مورد بررسی قرار داده‌اند. با این وجود محور مشترک در همه‌ی تعاریف، تأکید بر حقوق و وظایف شهروندی، مشارکت، برابری شهروندان، هویت شهروندی، نقش و پایگاه شهروندان فارغ از تعلقات اجتماعی، طبقاتی، قومی، نژادی و مذهبی جامعه است که به برخی از نظریه‌ها اشاره می‌شود:

۲-۱- مارکس: طبقه، آگاهی و حقوق شهروندی

مارکس با زیر بنا قرار دادن اقتصاد و تأثیر آن بر نقش‌های اقتصادی افراد، جامعه را با دو طبقه‌ی حاکم و زیردست مشخص می‌کند و عرصه‌ی جامعه را

مصلحت‌اندیشی و تدابیری بود که شهر به‌عنوان یک اتحادیه‌ی ایستایی و آیین جمعی که اعضای آن براساس مالکیت زمین شهری و برخورداری از امور، وظایف و امتیازات ویژه معین می‌شدند، متعهد به در نظر گرفتن آنها بود. از نظر او شهروند بودن به معنای توانایی مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، تنظیم سیاست‌ها و نیز شرکت داشتن در انتخاب رهبران بود و امتیازات ویژه‌ی آنها شامل حق شهروندی به انضمام انحصارات بازار، حقوق تجارت آزاد، جواز مبادله و حق کاهش داد و ستد رقابت آمیز، مشارکت در امور قضایی و موقعیت‌های ویژه برای مقاصد چون اهداف نظامی بود. از نظر حقوق اقتصادی مهم‌ترین امتیازات مدنی در قالب حقوق صوری به معنای حق داشتن انجمن‌های نیمه‌آزاد شهروندان نبود، بلکه ضامن مالکیت اربابی شهر به شمار آمد. بنابراین، وبر بیشتر بر حق سیاسی شهروندان مانند حق رأی و انتخاب نمایندگان توجه داشته است و مشارکت شهروندان را رکنی اساسی در این زمینه می‌داند.

۲-۳- مارشال: حقوق سه‌گانه‌ی شهروندی

گفتمان‌های شهروندی، بعد از سال ۱۹۴۵ با تحلیل‌های جامعه‌شناختی تی. اچ. مارشال دچار دگرگونی شد. طرح نظری مارشال پاسخی به چالش میان سرمایه‌داری و دموکراسی در دل دولت رفاه است که مسأله‌ی مهم آن برقراری مصالحه و پیوند میان مولفه‌های کلیدی نظام اقتصادی سرمایه‌داری یعنی طبقه‌ی اجتماعی و بازار و نظام سیاسی دموکراسی یعنی مشارکت همگانی و برابری حقوقی در جامعه مدرن است. به‌طور خلاصه حل چالش وجود طبقات اجتماعی و تفاوت‌های طبقاتی از سویی و ضرورت

عرصه‌ی مبارزه‌ی همیشگی این دو طبقه دانسته و عنوان می‌کند طبقات اجتماعی بازیگران واقعی در فرآیند تاریخ بوده و تحولات ملی و محلی صرفاً جنبه‌ای از این فرآیند به‌شمار می‌آید. مارکس جامعه‌ی مدنی را همان بورژوازی می‌داند که عرصه‌ی مبتنی بر بازار و مالکیت خصوصی است. اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروندی نیز صورت‌ظاهری برای پنهان کردن واقعیت و نقابی بر نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی است (شیانی، ۱۳۸۱: ۶۵). به‌زعم مارکس شهروندی انقیاد اقتصادی و اجتماعی و عملی محرومان است که باید اصلاح شود. براین اساس افرادی که پایگاه اقتصادی پایینی دارند، آگاهی کمتری از حقوق خود دارند و از طرفی از حقوق شهروندی برخوردار نیستند. لذا باید با آموزش شهروندان و آگاه کردن آنان از حقوق‌شان در جهت ایجاد جامعه‌ای بدون طبقه گام برداشت. طبقه‌ی کارگر با آگاهی از جایگاه خود با هم متحد شده و با انقلاب سوسیالیستی به سرنگونی نظام سرمایه‌داری به‌عنوان مانع احقاق حقوق‌شان می‌پردازند.

۲-۲- وبر: شهر، شهروندی و دموکراسی

مارکس وبر شهروندی را به لحاظ تاریخی با رشد دولت-شهرهای یونان باستان در ارتباط می‌داند. جایی که فضایی عمومی برای ارتباط آزاد و عقلانی میان کنشگران اجتماعی فراهم می‌ساخت مفهوم شهر و تکامل تاریخی هرم‌های مستقل در تکوین نوعی تفکر تلفیقی در مورد آزادی، فردیت، مدنیت نقش حیاتی داشته است. وی این مشخصه را منحصر به غرب می‌داند (ذکائی، ۱۳۸۰: ۶۹). از نظر وبر، شهروندی در شهرها شکل گرفته است و در حقیقت وابسته به

۲-۴- پارسونز: دوگانه‌ی عام‌گرایی - خاص‌گرایی

پارسونز شهروندی را نتیجه‌ی ظهور جامعه سرمایه‌داری صنعتی می‌داند و معتقد است که تغییراتی که در جامعه صنعتی رخ داده، نظیر شهری شدن و عقلانیت بستر مناسبی را برای این پدیده به وجود آورده است. وی با مبنای قراردادادن متغیرهای الگویی عام‌گرایی و جامعه‌ی مبتنی بر قرارداد عرفی و مدنی تصویری از شهروندی به عنوان کردار اجتماعی معطوف به عضویت اجتماعی و انسجام عرضه می‌کند (توسلی و نجاتی حسینی ۱۳۸۳: ۳۷).

از نظر پارسونز یک شهروندی کامل به دور از هرگونه تبعیض اجتماعی به معنی برخورداری همه‌ی اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق و تعهدات شهروندی و آگاهی آنان از حقوق خود است. بنابراین، آگاهی از حقوق شهروندی نیازمند تأمین انواع مختلف منابع و ایجاد فرصت‌های مناسب و بازتولید ارزش‌های عام از یک طرف و نگرش مناسب به این حقوق از سوی دیگر است. مهمترین مسأله‌ی مورد توجه پارسونز گروه‌هایی است که از امتیازات شهروندی محروم‌اند. به عنوان مثال او این پرسش را مطرح می‌کند که «چه چیزی مانع بهره‌مند سیاهان از مزایای شهروندی کامل شده است؟» و در پاسخ به این سوال به نقش اندیشه توجه می‌کند و موضوع ارزش‌های فرهنگی را پیش می‌کشد. به نظر او گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تأکید دارند و خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند درکی از حقوق و امتیازات شهروندی نخواهند داشت (حسام، ۱۳۸۱: ۱۱). بنابراین، افرادی که دارای نگرش‌های خاص‌گرایانه هستند، آگاهی کمتری از حقوق خود دارند. در این میان آموزش

تقویت تعهدات اجتماعی - سیاسی همه‌ی اعضای جامعه به نظام اجتماعی از سوی دیگر در طرح شهروندی مارشال بحث شده است (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۷). از دید مارشال شهروندی موقعیتی است که به همه‌ی اعضای یک جامعه اعطا می‌شود. تمام افرادی که این موقعیت را دارا هستند، با توجه به حقوق و وظایف اعطا شده به آن‌ها با یکدیگر برابرند. هیچ اصل جهان‌شمولی وجود ندارد که تعیین کند آن حقوق و وظایف چیست‌اند، اما جوامعی که در آنها شهروندی نهادی در حال رشد است، تصویری از شهروند آرمانی خلق می‌کنند که دستیابی به آن قابل اندازه‌گیری است و می‌توان تمایلات افراد را به سوی آن سوق داد.

به عقیده‌ی مارشال شهروندی به سه اصل یا عضو (مدنی، سیاسی، اجتماعی) تقسیم می‌شود. حقوق مدنی که برای آزادی‌های شخصی ضروری است و شامل مواردی چون آزادی بیان، عقیده، تفکر، حق مالکیت اموال می‌باشد. حقوق سیاسی که شامل حق مشارکت در قدرت و تصمیم‌گیری سیاسی و حق رأی است حقوق اجتماعی که شامل طیف وسیعی از حقوق مربوط به رفاه و امنیت اقتصادی است و حق زندگی طبق استانداردهای رایج زندگی در یک جامعه را شامل می‌شود و به طور نزدیکی با نظام آموزش و خدمات مرتبط است. در واقع بعد اجتماعی شهروندی شامل پذیرش این نکته است که دولت در برابر وظیفه شناسی و خدماتی که شهروندان مقروض است تا خدمات خاصی را ارائه دهد (Oliver & Heater, 1994: 20).

پرداخت که پیش شرط ظهور آن تعدد و تکثر در اشکال زندگی، ارتباطات عمومی و مسئولیت حقوق شهروندی است (شیانی ۱۳۸۴: ۱۶۷).

۲-۶- چارچوب نظری

ترنر حقوق شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق قانونی و رسمی می‌داند که برای یک جامعه معین تعریف شده است و در آن شهروند مدعی برخورداری از منابع ملی می‌شود. شهروند دارای منابع مهم اقتصادی چون مسکن، درآمد، منابع سیاسی، آزادی بیان و منابع فرهنگی چون تعلیم و تربیت و آموزش می‌باشد. ترنر به نقش شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و افراد توجه دارد، و معتقد است آگاهی از حقوق در میان اقوام مختلف متفاوت است. در بین شرایط اجتماعی باید به نقش رسانه‌های جمعی توجه ویژه نمود چرا که همچون واسطه‌ای آگاهی اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین، با استفاده از نظریه ترنر فرضیه "میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی" به عنوان منبع آگاهی زنان در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است.

پارسونز نیز ظهور حقوق شهروندی را نتیجه ظهور جامعه سرمایه داری صنعتی می‌داند و معتقد است که تمام تغییراتی که در جامعه صنعتی رخ داده، نظیر شهری شدن، عقلانیت و... بستر مناسب را برای این پدیده به وجود آورده است. «وی با مبنا قرار دادن متغیرهای الگویی عام گرایی، بر بی طرفی ارزشی و نیز جامعه مبتنی بر قرارداد عرفی و مدنی تصویری از شهروندی به عنوان نوعی کردار اجتماعی معطوف به عضویت اجتماعی و انسجام عرضه می‌کند. اهمیت ویژه‌ای که پارسونز به حقوق شهروندی می‌داد، ناشی

نقش مهمی را در جامعه‌پذیری یکپارچه و گسترده‌ی افراد و ارائه‌ی نگرش‌های عام‌گرایانه ایفا می‌کند تا به تبع آن زمینه‌ی آگاهی افراد از حقوق و به تبع آن از وظایفشان، فراهم شود.

۲-۵- هابرماس: دسترسی برابر به مشارکت و

شهروندی

در نظر هابرماس (به طور خاص) و در اندیشه‌ی سیاسی اجتماعی معاصر به طور عام این حوزه‌ی نوپدید به عنوان «حوزه‌ی عمومی»^۱ و «جامعه‌ی مدنی»^۲ مطرح شده است. از نظر وی دریافت حوزه‌ی عمومی و جامعه‌ی مدنی است که افراد نقش شهروندی پیدا می‌کنند. در نقش شهروندی فرد، به عنوان عضو تمام جامعه‌ی خود می‌گردد و شأن حقوقی ویژه‌ای دارد. حوزه‌ی عمومی عرصه‌ای است که در آن فرد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گردهم می‌آیند. در چنین حوزه‌ی اصول برابری و امکان دسترسی، اصولی غیر قابل حذف هستند. حوزه‌ی عمومی برخلاف نهادهایی که تحت سلطه خارجی قرار دارند یا دارای روابط قدرت درونی هستند، از اصول مشارکت و نظام دموکراتیک نوید می‌دهد. در چنین حوزه‌ی نتیجه و پیامد گفتگو مهم نیست، بلکه مهم این است که روند گفتگو و عقلانیت حاکم بر آن دموکراتیک باشد. بر همین مبنا وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل کرده است و دسترسی برابر به حقوق مشارکتی را مورد توجه بیشتر قرار می‌دهد. اعضای جامعه با توجه به توانایی تغییر حیات اجتماعی خود، دریافت حوزه‌ی عمومی به ایفای نقش شهروندی خواهند

1- public sphere

2-civil society

از این بود که او تصویب می‌کرد در جوامع دموکراتیک شهروندی به معیار اصلی همبستگی ملی تبدیل می‌شود.

در گذشته، تفاوت‌های مبتنی بر مذهب، قومیت، یا سرزمینی آنقدر مهم بود که تعیین می‌کرد چه کسانی عضو جامعه به شمار می‌آیند، یا از عضویت در آن به طور کلی محروم می‌گردند. اما اکنون حقوق مشترک شهروندی، شالوده کافی برای همبستگی ملی فراهم می‌کند. از نظر وی یک شهروندی کامل به دور از هرگونه تبعیض اجتماعی به معنی برخورداری همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق و تعهدات شهروندی و آگاهی آنان از حقوق خود است. بنابراین، آگاهی از حقوق شهروندی نیازمند تأمین انواع مختلف منابع و ایجاد فرصت‌های مناسب و باز تولید ارزش‌های عام از یک طرف و نگرش مناسب به این حقوق از سوی دیگر است. در این پژوهش با استفاده از دیدگاه پارسونز فرضیه: "نگرش افراد به حقوق شهروندی بر میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی تأثیر دارد." مورد آزمون قرار می‌گیرد.

مارکس نیز معتقد است: موقعیت اقتصادی و نابرابری‌های موجود در یک جامعه افراد را به رقابت، نزاع و مبارزه با هم سوق می‌دهد و برابری قانونی در واقع سرپوشی بر نابرابری‌های اقتصادی است. و با وجود این نابرابری‌ها امکان مشارکت برابر برای همه افراد در امور سیاسی و اجتماعی ممکن نیست. او خواستار رهایی همه افراد بشر است، که این امر با نظام سرمایه‌داری در تضاد است. به زعم مارکس شهروندی انقیاد اقتصادی اجتماعی و عملی محرومان است که باید اصلاح شود. بر این اساس افرادی که پایگاه اقتصادی پایینی دارند، آگاهی کمتری از حقوق

خود دارند و از طرفی از حقوق شهروندی برخوردار نیستند. بنابراین، باید با آموزش شهروندان و آگاه کردن آنان از حقوق‌شان در جهت ایجاد جامعه‌ای بدون طبقه گام برداشت. شهروندان در جامعه بورژوازی آزاد و برابر نیستند، موقعیت اقتصادی و نابرابری‌های موجود در این جامعه افراد را به رقابت، نزاع و مبارزه باهم سوق می‌دهد. بنابراین، با توجه به این نظریه مارکس فرضیه: "پایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان بر میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی تأثیر دارد." مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از دیدگاه هابرماس حوزه عمومی عرصه‌ای است، که در آن فرد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گردهم می‌آیند. در چنین حوزه‌ای اصول برابری و امکان دسترسی، اصولی غیر قابل حذف هستند. از نظر وی در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد نقش شهروندی پیدا می‌کنند و در نقش شهروندی، فرد به عنوان عضو تمام متعهد به جامعه‌ی خود می‌گردد و شأن حقوقی ویژه‌ای دارد. و از حقوق شهروندی خاصی بهره‌مند است بر همین مبنا وی مشارکت و حضور در عرصه عمومی را معرف اصلی شهروندی می‌داند، و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل کرده است. به همین دلیل دسترسی برابر به حقوق مشارکتی را مورد توجه بیشتر قرار می‌دهد. اعضای جامعه با توجه به توانایی تغییر حیات اجتماعی دریافت حوزه عمومی و جامعه مدنی به ایفای نقش شهروندی خواهند پرداخت. در این پژوهش نیز با استفاده از دیدگاه هابرماس فرضیه: "میزان حضور و مشارکت زنان در عرصه‌ی عمومی در آگاهی زنان از حقوق شهروندی موثر است" مورد سنجش قرار می‌گیرد.

۳- بحث اصلی

۳-۱- تحلیل تکنیک‌ها و نتایج توصیفی

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه زنان شاغل در شهرداری هستند که به صورت استخدام رسمی یا قراردادی در این سازمان مشغول به کار می باشند. که از تعداد کل ۱۸۴۲ تعداد ۲۷۰ نفر از آنان مورد مطالعه قرار گرفته اند. متغیر وابسته پژوهش میزان آگاهی از حقوق شهروندی است که به تفکیک به صورت آگاهی از حقوق مدنی، آگاهی از حقوق سیاسی، آگاهی حقوق فرهنگی، آگاهی از حقوق اجتماعی، آگاهی از حقوق جنسیتی مورد سنجش قرار می گیرد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از برنامه SPSS استفاده شده است و اطلاعات گردآوری شده در سه سطح توصیفی، تبیینی و تحلیل چندمتغیری با تکنیک‌های مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. در توصیف داده‌ها از شاخص‌های پراکندگی و مرکزی به تناسب مقیاس متغیرها استفاده شده و در سطح دوم براساس فرضیه‌ها و متغیرها با استفاده از آمار استنباطی ویژه‌ی جداول دوبعدی داده‌ها با استفاده از آزمون‌های ضرایب همبستگی گاما و کندال تبیین شده است. میانگین نمره آگاهی از حقوق شهروندی پاسخگویان برابر ۱۱/۳۲ با انحراف معیار ۰/۷۲۶ می باشد. دامنه تغییرات نمره پاسخگویان در این متغیر از ۰ تا ۱۸ بدست آمده است. و در نهایت ۳۵/۲ درصد از پاسخگویان آگاهی پایینی از حقوق شهروندی داشتند، ۴۵/۶ درصد آگاهی متوسط و تنها ۱۹/۳ درصد از آگاهی بالایی برخوردار بودند. همچنین در متغیر تحصیلات که در سه دسته تقسیم بندی شده است،

تحصیلات ۲۱/۱ درصد از پاسخگویان دیپلم و زیر دیپلم، ۶۳/۷ درصد لیسانس و ۱۵/۲ درصد فوق لیسانس و بالاتر است. بیشترین فراوانی مربوط به تحصیلات لیسانس می باشد. در بررسی متغیرهای مستقل این پژوهش که شامل پایگاه اجتماعی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، نگرش به حقوق شهروندی و میزان حضور در عرصه عمومی نتایج زیر به دست آمده است.

پایگاه اجتماعی پاسخگویان که با استفاده از نمره سه متغیر شغل، تحصیلات، و میزان درآمد محاسبه شده و ۲۴/۸ درصد پاسخگویان از پایگاه اجتماعی پایین، ۴۴/۸ درصد از پایگاه اجتماعی متوسط و ۳۰/۴ درصد از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند. که بیشترین فراوانی مربوط به پایگاه اجتماعی متوسط می باشد.

در متغیر میزان حضور در عرصه عمومی ۳۷/۸ درصد از زنان حضور پایین در عرصه عمومی جامعه داشته، ۴۷/۸ درصد متوسط و تنها ۱۴/۴ درصد میزان بالایی از حضور در عرصه عمومی و مشارکت در گروه‌ها و تشکل‌ها را بیان داشته اند.

میزان استفاده پاسخگویان از وسایل ارتباط جمعی همچون تلویزیون، رادیو، اینترنت و... که آگاهی اجتماعی آنها را تحت تأثیر قرار می دهد، به این صورت بود که ۱۶/۷ درصد از پاسخگویان به میزان کمی از رسانه‌های ارتباط جمعی استفاده کرده، ۴۲/۲ درصد به میزان متوسط و ۴۱/۱ درصد از پاسخگویان به میزان زیادی از رسانه‌های ارتباط جمعی استفاده می نمایند. در بررسی نگرش زنان به حقوق شهروندی، مشخص شد که؛ ۲۵/۹ درصد از پاسخگویان از نگرش

منفی به حقوق شهروندی برخوردار بوده، $36/3$ درصد نگرش بینابین (نه منفی و نه مثبت) به حقوق شهروندی داشته اند و $37/8$ درصد از پاسخگویان به حقوق شهروندی نگرش مثبت داشته اند.

۲-۳- تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها

۳-۲-۱- «بین پایگاه اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.»

برای بررسی وجود رابطه بین دو متغیر پایگاه اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی که هر دو متغیر در سطح سنجش ترتیبی می‌باشند از آزمون‌های Kendall's tau-b و Gamma استفاده شده است.

با توجه به نتایج مقدار تای بی کندال بدست آمده برابر $0/454$ و مقدار گامای بدست آمده برابر با $0/640$ در سطح اطمینان 99 درصد معنادار است، زیرا سطح معناداری آزمون کندال و گاما در این فرضیه برابر $0/000$ شده است که از مقدار $0/01$ کمتر است.

بنابراین، فرضیه فوق مبنی بر وجود رابطه بین دو متغیر پایگاه اجتماعی و آگاهی شهروندی مورد تأیید قرار می‌گیرد. بر اساس اطلاعات جدول فوق می‌توان دریافت که بین دو متغیر پایگاه اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی همبستگی نسبتاً متوسط و مستقیم در حدود $0/488$ وجود دارد. بنابراین، می‌توان گفت که هر چه فرد پایگاه اجتماعی بالاتری داشته باشد، از حقوق شهروندی آگاهی بیشتری دارد و بالعکس.

۳-۲-۲- «بین حضور در عرصه عمومی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.»

با توجه به نتایج، مقدار تای بی کندال بدست آمده برابر $0/502$ و مقدار گامای بدست آمده برابر با $0/715$ در سطح اطمینان 99 درصد معنادار است، زیرا سطح معناداری آزمون کندال در این فرضیه برابر $0/000$ شده است که از مقدار $0/01$ کمتر است.

بنابراین، فرضیه فوق مبنی بر وجود رابطه بین دو متغیر حضور در عرصه عمومی و آگاهی از حقوق شهروندی مورد تأیید قرار می‌گیرد. بر اساس اطلاعات جدول فوق می‌توان دریافت که بین دو متغیر حضور در عرصه عمومی و آگاهی از حقوق شهروندی همبستگی متوسط و مستقیم در حدود $0/533$ وجود دارد. بنابراین، می‌توان گفت که هر چه فرد در عرصه عمومی حضور بالاتری داشته باشد، از حقوق شهروندی آگاهی بیشتری دارد و بالعکس.

۳-۲-۳- «بین نگرش به حقوق شهروندی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.»

با توجه اطلاعات بدست آمده مقدار تای بی کندال بدست آمده برابر $0/445$ و مقدار گامای بدست آمده برابر با $0/633$ در سطح اطمینان 99 درصد معنادار است، زیرا سطح معناداری آزمون کندال در این فرضیه برابر $0/000$ شده است که از مقدار $0/01$ کمتر است.

بنابراین، فرضیه فوق مبنی بر وجود رابطه بین دو متغیر نگرش به حقوق شهروندی و آگاهی از حقوق شهروندی مورد تأیید قرار می‌گیرد. بر اساس اطلاعات جدول فوق می‌توان دریافت که بین دو متغیر نگرش به حقوق شهروندی و آگاهی از حقوق شهروندی همبستگی متوسط و مستقیم در حدود $0/457$ وجود داد. بنابراین، می‌توان گفت که هر چه فرد نگرش

شهروندی همبستگی نسبتاً متوسط و مستقیم در حدود ۰/۴۲۵ وجود دارد. بنابراین، می‌توان گفت که هر چه فرد استفاده بیشتری از رسانه‌های ارتباط جمعی داشته باشد، از حقوق شهروندی آگاهی بیشتری دارد و بالعکس.

۳-۳- تحلیل چند متغیره رگرسیونی

برای انجام تحلیل رگرسیونی در این تحقیق ابتدا متغیرهای میزان حضور در عرصه عمومی، نگرش به حقوق شهروندی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و سن پاسخگو به عنوان متغیرهای مستقل و متغیر آگاهی از حقوق شهروندی را به عنوان متغیر وابسته وارد معادله رگرسیونی کردیم. نتایج به قرار زیر است:

مثبت تری به حقوق شهروندی داشته باشد، از حقوق شهروندی آگاهی بیشتری دارد.

۳-۲-۴- «بین استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.»

نتایج نشان می‌دهد که مقدار تای بی کندال بدست آمده برابر ۰/۴۰۴ و مقدار گامای بدست آمده برابر با ۰/۶۰۸ در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است، زیرا سطح معناداری آزمون کندال در این فرضیه برابر ۰/۰۰۰ شده است که از مقدار ۰/۰۱ کمتر است. بنابراین، فرضیه فوق مبنی بر وجود رابطه بین دو متغیر استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و آگاهی از حقوق شهروندی مورد تأیید قرار می‌گیرد. بر اساس اطلاعات جدول فوق می‌توان دریافت که بین دو متغیر استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و آگاهی از حقوق

جدول ۱- آماره‌های رگرسیونی و برازش مدل رگرسیونی

سطح معناداری (sig)	درجه آزادی (df)	مقدار F	ضریب تعیین (R^2)	میزان همبستگی (R)	آماره‌ها متغیر وابسته
۰/۰۰۰	۵	۴۵/۸۴	۰/۵۱۰	۰/۷۱۴	آگاهی از حقوق شهروندی

توسط متغیرهای مستقل وارد شده در مدل تبیین می‌شود که قابل توجه می‌باشد. بر اساس سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس (F)، مدل رگرسیونی فوق در سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد مورد تأیید است؛ زیرا سطح معناداری مذکور برابر ۰/۰۰۰ است که از مقدار ۰/۰۱ کوچکتر است

بر اساس اطلاعات جدول شماره یک، می‌توان دریافت که میزان همبستگی متغیرهای مستقل وارد شده در مدل با متغیر وابسته (آگاهی از حقوق شهروندی) در حدود ۰/۷۱۴ می‌باشد که نشان‌دهنده همبستگی قوی بین متغیرها است. همچنین ۵۱/۰ درصد از واریانس متغیر آگاهی از حقوق شهروندی

جدول ۲- عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی آگاهی از حقوق شهروندی

متغیرهای مستقل	B	Beta	t	sig
حضور در عرصه عمومی	۰/۷۹۸	۰/۳۱۱	۷/۹۵۸	۰/۰۰۰
رسانه‌های ارتباط جمعی	۰/۶۸۸	۰/۴۰۰	۶/۱۱۸	۰/۰۰۰
نگرش به حقوق شهروندی	۰/۵۸۹	۰/۷۵۵	۶/۰۵۸	۰/۰۰۰
پایگاه اجتماعی	۰/۳۷۰	۰/۴۹۰	۴/۰۰۸	۰/۰۳۲

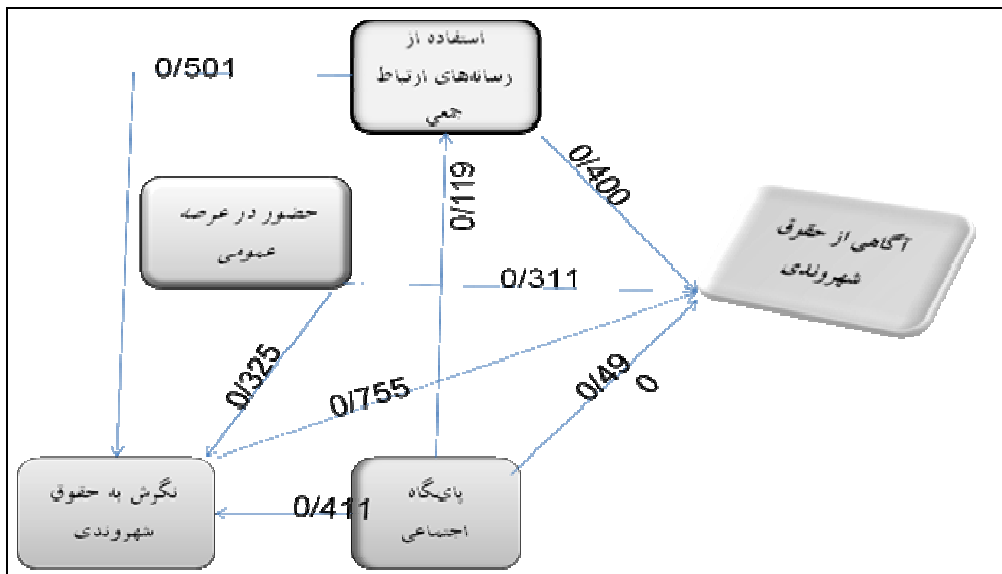
شاخص‌های آماری برای متغیرهای درون معادله مانند ضریب و رگرسیون (B) برای نمرات خام و Beta برای نمرات استاندارد شده و آزمون t را می‌توان در جدول بالا ملاحظه کرد. آزمون t نشان می‌دهد که ضریب B برای ۴ متغیر اول در سطح ۹۹ و برای متغیر آخر در سطح ۹۵ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنی دار است. به این معنی که متغیرها به ترتیب میزان همبستگی‌شان با متغیر وابسته وارد معادله شده و به وسیله علامت جهت رابطه آنها مشخص شده است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، حضور در عرصه عمومی اولین متغیری است که وارد معادله شده و با توجه به میزان t (۷/۹۵) و سطح معنی داری t (۰/۰۰۰) همبستگی بالا و مثبتی با متغیر وابسته دارد. یعنی هر چه میزان حضور در عرصه عمومی بالاتر باشد، آگاهی پاسخگویان از حقوق شهروندی نیز بیشتر خواهد بود.

استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی، پایگاه اجتماعی و نگرش به حقوق شهروندی متغیرهای بعدی هستند که به ترتیب بعد از متغیر حضور در عرصه عمومی وارد معادله شده و همبستگی مثبتی با متغیر وابسته دارند.

۳-۴- تحلیل مسیر

تحلیل مسیر تکنیکی است که همبستگی میان متغیرهای مستقل و وابسته را در قالب تأثیر مستقیم و غیر مستقیم بیان می‌کند. تکنیک تحلیل مسیر بر پایه مجموعه‌ای از تحلیل رگرسیون چندگانه و بر اساس فرض ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته استوار است. در پژوهش حاضر این تفکیک بر اساس مدل تحلیلی تحقیق که خود برآمده از چارچوب نظری تحقیق بوده است صورت گرفته است. و به صورت شکل (۱) است. در جدول شماره ۳، اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته آورده شده است.



شکل ۱- مدل تحلیلی تحقیق مأخذ: نگارندگان

جدول ۳- اثر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته آگاهی از حقوق شهروندی

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	جمع کل
نگرش به حقوق شهروندی	۰/۷۵۵	-	
استفاده از رسانه‌های ارتباطی جمعی	۰/۴۰۰	$(۰/۷۵۵) * (۰/۵۰۱)$	۰/۳۷۸۲
حضور در عرصه عمومی	۰/۳۱۱	$(۰/۷۵۵) * (۰/۳۲۵)$	۰/۲۴۵۳
پایگاه اجتماعی	۰/۴۹۰	$(۰/۱۹۹) * (۰/۴۰۰) + (۰/۷۵۵) * (۰/۴۱۱)$	۰/۳۸۹۹

بررسی رابطه میان متغیرهای اثرگذاری چون پایگاه اجتماعی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، نگرش به حقوق شهروندی و میزان حضور در عرصه عمومی با میزان آگاهی زنان از حقوق شهروندی است.

یافته‌های تحقیق، فرضیات را مورد تأیید قرار داد و

نشان داد که:

۴-۱- شهروندی دارای ماهیتی پویا است و تحقق آن بر حسب شرایط در محیط‌های اجتماعی متفاوت و برای افراد با پایگاه‌های اجتماعی متفاوت، تغییر می‌کند. بخشی از این شرایط، منابع و امکانات توانمندی جامعه و تواناسازی افراد را تحت تأثیر قرار

بنابراین، متغیر نگرش به حقوق شهروندی بیشترین اثر مستقیم بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی را داشته و متغیر پایگاه اجتماعی با تأثیری که بر سایر متغیرها دارد بیشترین اثر غیر مستقیم را دارا است.

۴- نتیجه گیری

امروزه مفهوم شهروندی از ایمان آوردن به مسئولیت‌های خود در مسائل اجتماعی و داشتن باورهای مثبت و ذاتا ارتباطی درباره همکاری با دیگران برای اداره زندگی، و دیگر مفاهیم متعدد و همچنین اصولی حقوقی که دربردارنده وظایف و تعهدات اجتماعی نیز هست، معطوف شده است. از میان این مفاهیم آنچه مساله اصلی این تحقیق است،

این دو متغیر همبستگی نسبتاً متوسط و مستقیم در حدود ۰/۴۲۵ وجود دارد. بنابراین، می‌توان گفت که هر چه فرد استفاده بیشتری از رسانه‌های ارتباط جمعی داشته باشد، از حقوق شهروندی آگاهی بیشتری دارد و بالعکس.

۳-۴- شهروندی مفهومی است که با مسئولیت و مسئولیت‌پذیری آحاد جامعه همراه است. در جامعه مدنی، شهروند دریافته است که بی مسئولیتی انسان‌های پیرامونی، او را در مسیر پرنوسانی قرار می‌دهد و چنانچه خود نیز نسبت به پدیده‌های پیرامونی بی مسئولیت باشد محیط زندگی خود و دیگران را دچار آسیب می‌کند. زیباترین احساس خوشایند در مقوله شهروندی، تلاش برای همکاری و تعاون و بارمسئولیت خود و دیگران را به دوش کشیدن است.

۴-۴- در این پژوهش به پشتوانه نظریه "هابر ماس" رابطه حضور در عرصه عمومی جامعه با آگاهی از حقوق شهروندی مورد تأیید قرار گرفته و بین این دو همبستگی متوسط و مستقیم در حدود ۰/۵۳۳ مورد تأیید قرار گرفت. بنابراین، می‌توان گفت که هر چه فرد در عرصه عمومی حضور بالاتری داشته باشد، از حقوق شهروندی آگاهی بیشتری دارد و هر چه میزان مشارکت و حضور فرد در عرصه عمومی کمتر باشد فرد آگاهی کمتری از حقوق شهروندی دارد.

۴-۵- تحقق شهروندی نیازمند نگرش و جهت‌گیری‌های خاص است تا با ایجاد انگیزه لازم زمینه آگاهی از حقوق شهروندی را فراهم کند. تحقق شهروندی محصول جامعه‌ای است که در آن ارزش‌ها و معیارهای همه شمول مبنای قضاوت افراد قرار می‌گیرد. نگرش عام گرایانه در ابعاد متعدد، برابری‌های مادی و غیر مادی، عدم تبعیض جنسی،

می‌دهد. چرا که به تعبیر فالکس "شهروندی همیشه به منابع وابسته است (faulks,2000: 169).

در این پژوهش و با استفاده از نظریه "مارکس" پایگاه اجتماعی افراد (شغل، تحصیلات، درآمد) به عنوان عاملی که بر دسترسی افراد به منابع تأثیر دارند در نظر گرفته شده و یافته‌های این پژوهش فرضیه مبنی بر وجود رابطه بین متغیر پایگاه اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی را مورد تأیید قرار داده و مشخص شد که بین متغیر پایگاه اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی همبستگی نسبتاً متوسط و مستقیم در حدود ۰/۴۸۸ وجود دارد. بنابراین، می‌توان گفت که هر چه فرد پایگاه اجتماعی بالاتری داشته باشد، از حقوق شهروندی آگاهی بیشتری دارد و در صورت داشتن پایگاه اجتماعی پایین‌تر از حقوق شهروندی آگاهی کمتری دارند.

۴-۲- همچنین دانایی محوری به عنوان مهم‌ترین مؤلفه متشکله شهروندی، گام اول مشارکت فعال، مسئولیت‌پذیری و غیره به شمار می‌رود. دانایی محوری عبارت است: از داشتن آگاهی در زمینه موضوعات تاریخی، اجتماعی، فرهنگی در سطح محلی، ملی، بین‌المللی است، که به عنوان پیش‌نیاز اساسی برای شهروندی بشمار می‌رود. اصولاً تصمیم‌گیری‌های مهم جامعه اغلب نیاز به شهروندانی دارد که قادر به درک اطلاعات وسیع سطح جامعه، گزارشات و بررسی‌ها باشند، و به مسائل عمومی جامعه آگاهی دارد. در این تحقیق نیز با تأکید بر نظریه "ترنر" مبنی بر تأثیر استفاده از وسایل ارتباط جمعی به عنوان منبع آگاهی اجتماعی رابطه میان متغیر میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی به اثبات رسیده به طوری که بین

ارتقاء فرهنگ شهروندی در جامعه است. شهروندی و فرهنگ شهروندی محصول و محمل تعهد و مسئولیت‌پذیری عناصر مختلف جامعه (دولت، حوزه خصوصی و حوزه عمومی) است؛ که همانا اعضای جامعه مدنی را تشکیل می‌دهند، یعنی افراد و نهادهایی که دارای حق و تعهدات معینی هستند. با توجه به یافته‌های این تحقیق، پیشنهاداتی در قالب موارد زیر ارائه می‌گردد:

۱-۵- تدوین و برنامه‌ریزی جامع آگاه‌سازی در زمینه حقوق، وظایف و هویت شهروندی زنان و سایر اقشار جامعه؛

۲-۵- شناسایی محدودیت‌ها، منابع، و اولویت‌بندی نیازها در گروه‌های مختلف زنان در جامعه؛

۳-۵- تدوین و برنامه‌ریزی جامع جهت نهادینه کردن حقوق و وظایف شهروندی در عرصه‌های عمومی و خصوصی در جامعه مطالعه و بررسی ارزش‌ها و تقویت ارزش‌های چون عام‌گرایی، اخلاق مشارکتی و مدنی برای افزایش آگاهی و تبدیل شدن به شهروندی فعال.

منابع

انصاری، محمود، (۱۳۷۶)، حوزه عمومی در اندیشه سیاسی هانا آرنست، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۱۷ و ۱۱۸.

احمدی، فخری سادات، (۱۳۸۳)، بررسی تاثیر آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی در شهر بر فرایند تحقق حقوق شهروندی، رساله کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی استاد راهنما: یعقوب موسوی، دانشگاه الزهرا.

عدم وابستگی‌ها و برتری‌های بر روی آگاهی تأثیر دارد. این نوع نگرش به معنای رفع تفاوت‌ها نبوده، بلکه شناخت و حمایت از تنوع با توجه به حقوق و مسئولیت‌های همه افراد و بدون محوریت هویت‌های خاص در آن تعیین‌کننده است. این ارزش‌ها به جامعه اجازه می‌دهد، تا حقوق و مسئولیت‌ها را فراتر از قومی، نژادی، جنسی و ... گسترش دهد. همچنین براساس نظریه "پارسونز" شهروندی درجایی به ظهور می‌رسد که افراد نگرش مثبتی به شهروندی داشته باشند. نتایج این پژوهش، سوگیری مثبت زنان نسبت به حقوق شهروندی را نشان می‌دهد و بر اساس اطلاعات به دست آمده می‌توان نشان داد که بین دو متغیر نگرش به حقوق شهروندی و آگاهی از حقوق شهروندی همبستگی متوسط و مستقیم در حدود ۰/۴۵۷ وجود دارد. بنابراین، می‌توان گفت که هر چه فرد نگرش مثبت تری به حقوق شهروندی داشته باشد، از حقوق شهروندی آگاهی بیشتری دارد و بالعکس. تولید و باز تولید این ارزش‌ها در جامعه سبب ایجاد انگیزه برای آگاهی و عمل به حقوق شهروندی است.

۵- پیشنهادها

برای تحقق شهروندی نیازمند یک حرکت دو سویه هستیم. یک حرکت از بالا به پایین که همان فرصت‌دهی و مشارکت‌جویی ساختار کلان جامعه است و دیگری حرکت از پایین به بالا که همان مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی شهروندان و از جمله زنان برای حضور در عرصه‌های مختلف جامعه، به ویژه عرصه عمومی است. آن چه به عنوان پیشنهاد اصلی در راستای هدف پژوهش که همانا افزایش سطح آگاهی زنان از حقوق شهروندی، ارائه می‌گردد،

تهران، استاد راهنما، دکتر مسعود چلبی، دانشگاه شهید بهشتی.

فالكس، كيث، (۱۳۸۱)، شهروندی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: نشر کویر.

مالجو، محمد، (۱۳۸۱)، حقوق شهروندی و تامین اجتماعی، مجلس و پژوهش، شماره ۳۳.

نجاتی حسینی، محمود، (۱۳۸۰)، شهروندی نوزادی نوپاست، فرهنگ و پژوهش، شماره ۱۸.

نجاتی حسینی، محمود، (۱۳۸۱)، مهاجرت؛ سیاست و شهروندی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۰.

ویر، ماکس، (۱۳۶۹)، شهر در گذر زمان، مترجم شیوا کویانی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.

هولاب، رابرت، (۱۳۷۵)، یورگن هابرماس، نقد در حوزه عمومی. مترجم حسین بشریه، تهران، نشر نی.

Deianty, G. (2000). Citizenship in a global Age, UK: Open University press.

Fathi Vajargah, K., & Kamkary, K. (2003). The Place of Life Skills Training in Iranian Primary School Curricula, paper presented at European Conference on Educational Research EERA. Hamburg, University of Hamburg, Germany.

Faulk, k. (2000). Citizenship, London; Rutledge.

Roberts, b. (2000). the social context of citizen ship in Latin America, oxford. oxford; university press.

Prior, W. (2000). The Australian experience of preparing schools communities for citizenship education – our civic duty? Paper presented at SLO International conference, SLO, Enscheda – The Nether Land.

آزاد ارمکی، تقی، امامی، یحیی، (۱۳۸۳)، تکوین حوزه عمومی و گفتگوی عقلانی، مجله جامعه شناسی ایران، دوره پنجم شماره ۱.

براتعلی پور، مهدی، (۱۳۸۴)، شهروندی و سیاست نو فضیلت گرا، تهران، موسسه مطالعات ملی.

توسلی، غلامعباس، نجاتی حسینی، محمود، (۱۳۸۳)، بررسی واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، نامه انجمن انسان شناسی ایران، دوره پنجم.

حسام، فرحناز، (۱۳۸۱)، هویت شهروندی، اندیشه و پژوهش، شماره ۵۱، سال پنجم.

ذکائی، محمد سعید، (۱۳۸۰)، اخلاق شهروندی، رابطه هویت‌یابی جمعی و ارزش‌های دیگر خواهانه، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، شماره ۵.

روشه، گی، (۱۳۷۶)، جامعه شناسی تالکت پارسونز، ترجمه نیک گهر، تهران، انتشارات تبیان.

شیانی، ملیحه، (۱۳۸۱)، «تحلیلی جامعه شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان»، مجله انجمن جامعه شناسی ایران، شماره ۳.

شیانی، ملیحه (۱۳۸۲). وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن. پایان نامه دکتری: دانشگاه علامه طباطبایی

شیانی، ملیحه، (۱۳۸۳)، «فقر، محرومیت و شهروندی در ایران»، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۷.

شیانی، ملیحه، (۱۳۸۴)، شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۸.

فاطمی‌نیا، سیاوش، (۱۳۸۶)، عوامل موثر بر تعهدات شهروندی در بین شهروندی بالای ۱۸ سال شهر

Women's Awareness about Citizenship Rights and the Effective Factors on it

J. Hezarjaribi. A. Amanian

Received: 16 October 2010 / Accepted: 14 May 2011, 1-3 P

Extended abstract

1- Introduction

The issue of citizenship and how citizens make sense of the concept is increasingly the subject of social research. Citizenship as a multi dimensional concept, offers the capacity for an exploration of the dynamics of social division to take in a number of important dimensions (class, gender, race, disability, age and so on) when assessing both the levels and causes of inequality within a society. This research tries to survey women's awareness about citizenship rights and the effective factors on it.

2- Theoretical Bases

In this study, different views on citizenship rights and opinions of Marx (Class, conciseness and citizenship rights), Habermas (civil society and Public Sphere), Turner (Mass media role) and Parsons (Particularism – Universalism) were used to establish a

theoretical framework and design research hypotheses including being a correlation between the degree of attending public spheres, socioeconomic status, usage of mass media and awareness about citizenship rights.

3- Discussion

This is a descriptive measurement study using a questionnaire designed by the researchers. The study population was all the women employed in municipal offices at the time of the study. Estimating the sample size, we used a stratified cluster sampling method and Cochran formula were applied and 270 people were from current female municipal workers of Tehran in 2010. The data were analyzed by SPSS software. To complete the analysis Kendal's tau-b and Gamma tests, Chi-Squared test and multiple variable regression analysis methods were also used to analyze our data as properly as possible. The dependant variable studied in this research was the level of awareness about citizenship rights which was categorized to civil, political, cultural, social and gender-based rights. The independent variables included the

J. Hezarjaribi (✉)

Associate Professor of Social Sciences, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran
e-mail: jafar_hezar@yahoo.com

A. Amanian

Ph.D student in social welfare, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran

degree of attending public spheres, socioeconomic status, and usage of mass media. The mean score of awareness on citizenship rights was 11.32 with $SD=0.726$. The range of scores was from 0 to 18. The study showed that 35.2% of participants in the survey had a low awareness of citizenship rights, 45.6% of them had a moderate awareness of citizenship rights and only 19.3% of the participants had a high level of awareness of the citizenship rights studied in this research.

4- Conclusion

There was a significant correlation between the degree of attending public spheres, socioeconomic status, and usage of mass media, and level of awareness of citizenship rights which proved the hypothesis. Even by excluding educational level from the data analysis, there was still a significant correlation between the dependant and independent variables. According to regression analysis, the most important predictor of awareness about citizenship rights was the degree of attending public spheres.

5- Suggestions

Citizenship and culture of citizenship are vintages of responsibility and commitments of different society elements such as state, private and public sphere that shape civil society. According to results of this study we following recommendations are suggested:

5-1- Strategic education planning for women and other citizens about their rights, obligations and identities.

5-2- Strategic planning for institutionalization of citizenship rights and obligations in public and private sphere, studying citizenship values, reinforcement of universalism and civic ethics to increase awareness about

citizenship rights to achieve active citizenship.

Key Words: Citizenship Rights, Women's Awareness, Mass Media, Public Sphere

References

- Ahmadi, F. (2004). The impact of awareness about citizenship rights and obligations in City on citizenship rights achievement process. MA thesis. Al Zahra University.
- Ansari, M. (2005). Negotiated Democracy. Tehran. Markaz publication.
- Castels, Stephen & Davidson, Albestor, (2003). Citizenship and Migration. Translated by: Faramarz Taghiloo. Tehran. Strategic studies Center pub.
- Faulk, k. (2000). Citizenship. London; Rutledge.
- Fitzpatrick, T. (2002). Welfare Theory. Translated by: Hormoz Homayon pour. Game no publication.
- Hesam, Farahnaz, (2002). Citizenship Identity. Andishe va Raftar. No 51.
- Lister, R. (1997). Citizenship: Feminist perspectives. Basingstoke: Macmillan.
- Oliver, dawn & Heater, derrick, (1994). The foundations of citizen ship , create Britain : harvester wheat sheaf.
- Prior, W. (2000). The Australian experience of preparing schools communities for citizenship education – our civic duty? Paper presented at SLO International conference, SLO, Enscheda – The Nether Land
- Rabo, A. (1996). GENDER ,State and civil society in Jordan and Syria , in c. hank and E Dunn, challenging western Model. London; Rutledge.
- Roberts, b. (2000). The social context of citizen ship in Latin America, oxford. oxford; university press.
- Shiani, M. (2005). Citizenship and participation in Social security and welfare system. Quarterly Journal of social Welfare, No 17.
- Shiani, M. (2002). A sociological analysis of citizenship condition in Lorestan. Journal of Iranian Sociology Association. No 3.
- Shiani, M. (2003). Citizenship condition and achievement obstacles. PhD thesis in Sociology. Allame Tabatabaei University.
- Shiani, M. (2004). Poverty, Deprivation and citizenship. Quarterly Journal of social Welfare, No 27.

Tavasoli, G., & Nejatihosseini, M. (2004). Social reality of Citizenship in Iran. Journal of Iranian Sociology Association. No 3.
Walby, S. (1998). Gender Transformation. London :Rutledge

William, R, (1997), Hegel s ethics of Recognition. California University of California Press.
Zokaie, M. (2001). Citizenship Ethics. Journal of Iranian Sociology Association. No 5.

